



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# موعود غدير

اصغر صادقی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موعود غدیر: سیمای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به روایت غدیر

نویسنده:

اصغر صادقی

ناشر چاپی:

مهرآوران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	موعود غدیر: سیمای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به روایت غدیر
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۸	جایگاه ارزشی حدیث غدیر
۱۰	خطبه غدیر در یک نگاه
۱۳	همپای نور
۱۶	سیمای حضرت مهدی به روایت غدیر
۱۸	تا کی در انتظار؟
۲۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



[۷] می‌خواهد، و نام و یاد سرمایه گذاران از خود گذشته در این سوداگری پر مخاطره را باید در شهداء الفضیله [۸] پی گرفت. [صفحه ۱۱] سنگدلانی چون ابن حجر را که در الصواعق المحرقة [۹] قلم به تجاوز و تعدی بر حریم غدیر و غدیریان تاریخ گشوده، سزا است که به دست بزرگمردانی چون قاضی نورالله شوشتری سپرد که با الصوارم المهرقه [۱۰] بر مبنای منطق آشنا و دیرپای شیعی به رویارویی با شب پرستان کوردل شتافته اند. هم او که با نگارش احقاق الحق [۱۱] چهره آن حقی را به روشنی نمایان ساخت که پیش از این، جمعی آن را به تعصبات جاهلی و قوم و قبیله ای، برخی دیگر به دشمنی و حسادت، و گروهی با حرص و ولع و خودخواهی و خود بینی، به ابر تیرگی ها گرفتار آورده بودند. و سهل است که همه این جهد و تلاشها بدان امید بود که شاید در [صفحه ۱۲] این میانه، برقی بر جهد و گمراهی راه یابد. نام و یادشان همواره زنده باد، و خدای بزرگ همه آنان را پاداشی نیکو دهد، که تاریخ کهن دیانت ما، بر عرصه فرهنگی با چنین تلاشها و بر چنین پایمردی ها تار و پود از زر گرفته است. بگذریم، خاتمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و گشوده شدن باب ولایت، به مصداق این کلام که حضرتش الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل [۱۲] در وصف آمده، بذر امید بر مزرع دلها افشانند، تا بدانجا که این دین، دیگر روی رکود و سستی نخواهد دید. گذران زمان و بسیاری دوران، بر آن گرد کدورت نخواهد نشاند، و از شادابی و طراوتش نخواهد کاست، چرا که همواره تا پایان عمر جهان و به سر آمدن زمان، خدای محافظانی معصوم و بیدار دل بر آن گماشته تا ساحت دین را از پلشتی هر آلاینده ای بیالایند، و همگان را به واقعیت دین هشیار دارند، تا رشته های وساوس اهریمنان از هم گسسته آمده و دمنندگان در گره ها [۱۳] تنها عرض خود ببرند و زحمت مات بدارند. بدین سان آورنده این دین، از ساحل همان آبگیر، جاودانگی مکتب خود را به گوش جان جهانیان رسانید، و چشم اندازی روشن بر افق آینده جهان به رسم آورد. [صفحه ۱۳] پیامبر (صلی الله علیه و آله) همان روز و بر کنار همان غدیر و در برابر چشمان همان جمع کثیر، پیوند جدایی ناپذیر قرآن و عترت، و گره خوردن اسلام و امامت را با بانگ رسای خویش ندا در داد. و همزمان، دور دست آسمان تاریخ را نیز نشان داد که سرانجام، آخرین ستاره از تبار همان پیشوایان معصوم بر دل آن درخشیدن خواهد گرفت، و جهانی کران تا کران داد و دادگری به ارمغان خواهد آورد. این نوشته کوتاه، بر آن است که به شرح گونه ای مختصر بر این ترسیم زیبای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن آینده در غدیر بپردازد، و در خلال کلمات و عبارات خود، با تکیه بر بخشهایی از خطابه بلند غدیر، به نوعی آن طرح نو را از زبان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به خواننده خود بنمایاند. و امید که بر این مهم فائق آید. بازگردیم به غدیر، و شادمانی که سزااست در این ایام داشته باشیم، و سر بر آسمان برسائیم که: الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیر المومنین (علیه السلام) و الائمة علیهم السلام. [۱۴] آری بیائید تا به شادی، این ایام را گرمی داریم، به بیداری، پیام غدیر را دریابیم، بر آن پای بفشاریم و استوارانه بر جای بمانیم، از حال و روز پیمان شکنان این عهد الهی عبرت آموزیم، و سرانجام امروز پیام و کلام و واقعیت غدیر را به تمامی و یکجا در وجود مولای بزرگوارمان آن [صفحه ۱۴] وارث غدیر و آن یوسف عزیز حجه بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه) شاهد باشیم. و زیر لب زمزمه کنیم که: نسیم رحمت وزید، دهر کهن شد جوان نهال حکمت دمید، پر ز گل ارغوان مسند حشمت رسید به خسرو خسروان حجاب ظلمت درید ز آفتاب منیر [۱۵]. [صفحه ۱۵] پاورقی [۱] واقعه غدیر در ۱۸ ذی الحجه سال ۱۰ هجری اتفاق افتاد. و رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، درست هفتاد روز بعد، در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری به وقوع پیوست. بلافاصله پس از این حادثه، وقایع جانسوز پس از رحلت صورت گرفته، و چنان دگرگونی شگرف و بی سابقه ای به بار آمد که گوشه ای از آن را می توان در این بخش از دعای ندبه شاهد بود که: و الامه مصره علی مقته، مجتمعه علی قطیعه رحمه و اقضاء ولده الا القلیل ممن وفی لرعايه الحق فیهم. (امت بر نابودی او پای می فشرد، و بر قطع رشته های پیوسته به او و دور کردن فرزندانش گرد آمده بود، جز تعداد اندکی که همچنان بر رعایت حق آنان پایدار مانده بودند). [۲] خدایا! دوستداران او را دوست بدار، دشمنان او را دشمن شمار، یارانش را یاری رسان، و آنان که او را و او را می رهانند، تو نیز رها کن. این عبارت از دعای ندبه نقل شده، و شبیه به همین مضامین در دیگر

آثار و اخبار نیز آمده که روایتگر حادثه غدیر می باشد. به عنوان نمونه، در متن خطبه غدیر، از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است که: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و العن من انكره و اغضب علی من جحد حقه. [۳] پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) - بخشی از خطبه غدیر. [۴] قرآن مجید، سوره اعراف، آیه ۳۳. [۵] سید حامد حسین نیشابوری لکهنوی متوفی ۱۳۰۶ قمری، صاحب کتاب بی نظیر عباقت الانوار. برای شناخت کتاب و نویسنده آن، مراجعه شود به گفتار مفصل آقای سید علی میلانی در جلد اول کتاب نفعات الازهار فی خلاصه عباقت الانوار. [۶] علامه شیخ عبدالحسین امینی (متوفی ۱۳۹۰ قمری)، صاحب کتاب بزرگ غدیر. درباره این کتاب و نویسنده آن، مراجعه شود به دو کتاب حماسه غدیر، و یادنامه علامه امینی. [۷] آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (متوفی ۱۳۷۳ قمری)، از مراجع تقلید نجف، و دانشمندان بزرگ شیعه در نیمه دوم قرن ۱۳، صاحب کتاب اصل الشیعه و اصولها و آثار دیگر. بهترین شرح حال او، در مقدمه کتاب جنه الماوی، (چاپ تبریز ۱۳۹۷) - که مجموع نوشته های مختصر و پراکنده آن فقید است - درج گردیده است. [۸] نام کتابی که مرحوم علامه امینی نوشته، و شرح حال گروهی از عالمان شهید شیعه را در فاصله قرن چهارم تا چهاردهم آورده است. ترجمه فارسی این کتاب به نام شهیدان راه فضیلت منتشر شده است. [۹] شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر هیتمی مکی (متوفی ۹۷۳)، از دانشمندان شافعی، که کتاب الصواعق المحرقة را بر رد شیعه نوشته است. [۱۰] الصوارم المهرقه، از آثار جاودانه شهید قاضی نورالله شوشتری (شهید در ۱۰۱۹) که در پاسخ به مطالب ابن حجر نوشته است. این کتاب، به اهتمام مرحوم سید جلال الدین محدث ارموی چاپ شده است. [۱۱] علامه حلی، کتابی به نام نهج الحق و کشف الصدق در اثبات حقانیت تشیع و امامت نگاشت. فضل الله بن روزبهان خنجی، در رد آن، کتاب ابطال الباطل را نوشت. در پاسخ به نوشته های فضل بن روزبهان، شهید بزرگوار قاضی نورالله، کتاب احقاق الحق و ازهاق الباطل را نوشت، که با تعلیقات مرحوم آیه الله مرعشی نجفی، تا کنون بیش از سی جلد آن منتشر شده است. در مورد شرح حال و آثار ارزشمند قاضی نورالله، مراجعه شود به رساله مرحوم سید جلال الدین محدث ارموی در مقدمه الصوارم المهرقه و رساله آیه الله مرعشی در مقدمه احقاق الحق که دو ماخذ بسیار مهم و نفیس در شناخت قاضی نورالله به شمار می رود. [۱۲] نهج البلاغه خطبه ۷۱، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۳۸ حدیث ۱۲ و ص ۲۷۲ حدیث ۱۳ و ص ۲۹۳ حدیث ۲۰: پیامبر - به سلسله نبوت - پایان بخشیده و - راه امامت را برای آینده - گشوده است. [۱۳] اشاره به آیه ۳ سوره فلق: و من شر النفاثات فی العقد. [۱۴] دعایی که خواندن آن در روز غدیر، در هنگام دیدن برادران دینی وارد شده است. (مفاتیح الجنان). [۱۵] این ابیات، از قصیده زیبا و بلند غدیره است که توسط مرحوم آیه الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی سروده شده است.

### جایگاه ارزشی حدیث غدیر

تکیه گاه اصلی این نوشته، حدیث غدیر و بخشی از متن سخنان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در هیجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت در صحرای جحفه و بر کنار آبگیری به نام خم می باشد. از این رو به منظور تبیین جایگاه ارزشی این حدیث شریف در بین مستندات نقلی اسلامی، یاد آور می شویم که بنا به تحقیقی که به عمل آمده [۱] این حدیث را بزرگان اهل سنت از جمله احمد بن حنبل به ۴۰ طریق، محمد بن جریر طبری به ۷۵ طریق، جزری مقری به ۸۰ طریق، ابن عقده به ۱۰۵ طریق، سجستانی به ۱۲۰ طریق، جعابی به ۱۲۵ طریق و امیر محمد یمانی به ۱۵۰ طریق نقل کرده اند. در بین راویان حدیث، علاوه بر کسانی نظیر ابوهریره و انس بن [صفحه ۱۶] مالک و... که معمولا سنیان از آنان روایت می کنند، شخصیت های مشترکی نظیر ابی بن کعب انصاری، ام سلمه، جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن عباس وجود دارند که فریقین در آثار خود از آنان نقل حدیث می نمایند. در تحقیق مورد اشاره، نویسنده کتاب، ۱۱۰ راوی را فهرست نموده است [۲] که جملگی این حدیث را نقل کرده اند. در بین آنان - علاوه بر کسانی که به نام آنان اشاره شد - افرادی سرشناس نظیر سلمان فارسی، خزیمه بن ثابت، زید بن ارقم، زبیر بن عوام، زید بن ثابت، حسان بن



ثابت، عباس بن عبدالمطلب، اسعد بن زراره خزرچی، اسماء بنت عمیس، حدیفه بن یمان، و نیز دو امام والا قدر و بزرگوار شیعه امام حسن و امام حسین علیهما السلام به چشم می‌خورند. همچنین در بخشی از کتاب حساسترین فراز تاریخ، یا داستان غدیر - نگارش جمعی از دبیران - مقاله‌ای در باب تلاش علامه مجاهد مرحوم آیه الله امینی رحمه الله علیه در زمینه سند یابی حدیث غدیر در آثار اهل سنت تنظیم گردیده، که در آن نام یکصد تن از علمای عامه در رشته‌های علمی جداگانه - شامل تاریخ، حدیث، تفسیر و عقیده‌شناسی - همراه با نام کتب مربوطه آنها به تفصیل آورده شده است. در پاورقی این بخش از کتاب، ثمره تحقیقات بعدی صاحب‌الغدیر در این زمینه، عدد محققان در بین اهل سنت را بالغ بر ۷۰۰ تن دانسته، که قطعا میزان در خور توجهی است.

[۳]. [صفحه ۱۷] به نظر می‌رسد با همین مختصر، جایگاه بلند این حدیث روشن شده باشد. در عین حال، علاقمندان می‌توانند به کتاب مذکور و دیگر کتبی که در آن زمینه نگاشته شده مراجعه نمایند تا اطلاعات دقیقتر و بیشتری به دست آورند. در تحقیقی که به عمل آمده تا آغاز قرن چهاردهم هجری، بیش از ۱۰۰ تن از اصحاب، ۸۴ نفر از تابعین، و ۳۵۳ کتاب معتبر اسلامی مورد شناسایی واقع شده که جملگی حدیث غدیر را نقل کرده‌اند. [۴] البته محدثان شیعه - مانند شیخ طبرسی، سید بن طاووس، علامه مجلسی و محدث بحرانی - متن کامل خطبه، و دانشمندان اهل سنت، تنها گزیده و خلاصه‌ای از خطبه را نقل و روایت کرده‌اند.

[۵] ولی قدر مسلم، آن است که به گفته حافظ عبدالعزیز غماری - دانشمند معاصر اهل سنت - حدیث غدیر، در بالاترین درجات تواتر است، و کسی به جز جاهل و منافق آن را انکار نمی‌کند. [۶] از سوی دیگر چنین کمیت چشمگیر و بی‌سابقه - که در کمتر موضوعی از مباحث اسلامی وجود دارد - به یقین جای هیچ شبهه و تردیدی را در اصالت و ارج و قدر آن حدیث باقی نخواهد گذارد. در اینجا بد نیست به نکته‌ای توجه و تاکید کنیم. و آن اینکه در عرف عرب، هیچ‌گاه به چند جمله مختصر، خطبه نگفته‌اند. و از همین [صفحه ۱۸] جا روشن می‌شد که محدثان عامه - به دلیل تعصب خود که نخواستند تسلیم حق شوند - چگونه گرفتار تناقض شدند. آنان، تنها چند جمله محدود، به عنوان کلام مهم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کردند، و آن را خطبه نام نهادند. با این همه، برای اینکه حجت خدا بر همه فرقه‌ها تمام شده باشد، در میان محدثان غیر شیعه، برخی از آنها این خطبه را روایت کردند، از جمله احمد بن محمد طبری معروف به خلیلی - از دانشمندان قرن پنجم - که یکی از کتابهای خود را، به سال ۴۱۱ در قاهره به پایان برده است. جناب سید بن طاووس، نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته، و در کتاب نفیس خود الیقین باختصاص مولانا علی (علیه السلام) بامره المومنین، [۷] باب ۱۲۰ تا ۱۲۷، احادیثی از آن نقل کرده، و باب ۱۲۷ را به خطبه غدیره بر اساس نقل کتاب احمد بن محمد طبری خلیلی اختصاص داده است. مرحوم سید ابن طاووس در ابتدای این باب می‌نویسد: نرویه برجالهم الذین ینقلون لهم ما ینقلونه من حرامهم و حلالهم، و الدرک فیما نذکره علیهم... [۸] این حدیث را روایت می‌کنیم به رجال آنها (غیر شیعه)، که [صفحه ۱۹] حلال و حرام مورد قبولشان را برای آنها نقل می‌کنند. و پیامدهای نقل و روایت این حدیث نیز بر عهده آنها است جناب سید ابن طاووس، کتابی دیگر در همان موضوع یاد شده (ملقب بودن حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) به لقب امیرالمومنین) نوشته، که در واقع مکمل کتاب الیقین است، و آن را التحصین لاسرار ما زاد من اخبار کتاب الیقین نام نهاده است. [۹] ایشان، در باب ۲۹ این کتاب، از کتاب نور الهدی و المنجی من الردی تالیف حسن بن ابی طاهر احمد جاوایی - از دانشمندان قرن ششم - خطبه غدیر را به روایت زید بن ارقم نقل می‌نماید. جناب سید ابن طاووس - قدس سره - در این مورد می‌نویسد: فی ما نذکره من خطبه یوم الغدیر، و فیها من رجال المخالفین... نذکرها من کتاب نور الهدی... [۱۰] در آنچه از خطبه روز غدیر یاد می‌کنیم، که در این طریق، بعضی از رجال غیر شیعه نیز هستند... و آن را از کتاب نور الهدی... نقل می‌کنیم. علامه مجلسی محدث بزرگ شیعه - رحمه الله علیه - در جلد ۳۷ مجموعه گرانقدر بحار الانوار، باب ۵۲ را ذیل عنوان فی اخبار الغدیر، به بیان برخی روایات و اخبار مربوط به موضوع غدیر اختصاص داده است. و ۱۰۵ روایت این باب، طی ۱۴۵ صفحه، از مصادر شیعه و سنی نقل [صفحه ۲۰] گردیده است. علامه مجلسی پس از نقل کامل خطبه ذیل روایت ۸۶ همان باب، از احتجاج طبرسی، طی بیانی

ذیل این خطبه می نویسد: روی اکثر هذه الخطبه مما يتعلق بالنص و الفضائل، مؤلف كتاب الصراط المستقیم، عن محمد بن جریر الطبری باسناده الی زید بن ارقم، و روی جمیعاً الشیخ علی بن یوسف بن المطهر رحمهما الله عن زید بن ارقم... [۱۱] بخش اعظم این خطبه را که شامل نصوص - بر امامت - و فضائل علی (علیه السلام) است، نویسنده کتاب الصراط المستقیم، [۱۲] از محمد بن جریر طبری - محدث مشهور اهل سنت - در کتاب الولاية نقل کرده، و آن را به زید بن ارقم مستند نموده است. و تمام خطبه را شیخ علی بن یوسف بن مطهر [۱۳] - رحمه الله علیه - از زید بن ارقم آورده است... ظاهراً سند این بزرگان به زید بن ارقم، همان سندی است که مرحوم سید ابن طاووس در کتاب التحصین آورده است. برای آگاهی بیشتر در این مورد، به کتاب اسرار غدیر، نوشته آقای محمد باقر انصاری، [صفحه ۲۱] ص ۹۴ - ۹۰ مراجعه شود. باری در این نوشته، پس از نگاهی کلی به خطبه - بر اساس روایت حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) - و سیری گذرا بر اهم مباحث آن، موضوع، به بحث اصلی که کتاب عهده دار طرح آن می باشد - یعنی سیمای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به روایت غدیر - هدایت خواهد گشت. [صفحه ۲۳] پاورقی [۱] کتاب انوار ولایت در خطبه غدیر، تألیف رضا اصلانی، چاپ موسسه نشر علامه طباطبائی. [۲] همان مدرک، ص ۷۸ - ۶۸. [۳] حساسترین فراز تاریخ یا داستان غدیر، صفحات ۵۵ تا ۶۱. [۴] همان مدرک، ص ۶۷. [۵] اسرار غدیر، محمد باقر انصاری، ص ۹۸ - ۹۵. [۶] مجله الغدیر، چاپ بیروت، شماره ۸ و ۹ مقاله عبدالعزیز غماری مغربی. [۷] در این کتاب، اخباری روایت شده، که بر اساس آن اخبار، لقب امیر المومنین ویژه حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در زمان حیات خود، حضرتش را با این لقب، به مسلمانان معرفی فرمود. این کتاب نفیس، با تحقیق آقایان محمد باقر و محمد صادق انصاری، توسط دار الکتب قم منتشر شده است. [۸] الیقین، ص ۳۶۱ - ۳۴۳، باب ۱۲۷. [۹] این کتاب، به ضمیمه کتاب الیقین - که قبلاً یاد شد - به چاپ رسیده است. [۱۰] التحصین (به ضمیمه الیقین)، ص ۵۷۸ - ۵۹۰. [۱۱] بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۸. [۱۲] علامه شیخ علی بن یونس، زین الدین بیاضی عاملی. [۱۳] وی، از دانشمندان بزرگ قرن هشتم، و برادر علامه حلی است، که از شهرت او تحت الشعاع شهرت و عظمت علامه قرار گرفته است. علی بن یوسف، خطبه غدیر را در کتاب خود، العدد القویه (ص ۱۶۹ به بعد) روایت کرده است.

### خطبه غدیر در یک نگاه

همگان با غدیر، خطبه غدیر و محتوای آن، کم و بیش آشنایی داریم. روز ۱۸ ذی الحجه سال دهم هجری است، و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بازگشت از آخرین سفر حج خود - موسوم به حجه الوداع - است، آن هنگام که همراهانش در منطقه جحفه از یک دیگر جدا می شوند و بر سه راهی مدینه، عراق و شامات قرار گرفته اند، تا هر یک راه بلاد خویش پیش گیرند. حضرتش همه را بر کنار آبگیری به نام خم گرد آورده و ضمن خطابه ای طولانی - که بنا به برخی نقل های تاریخی، بالغ بر چهار ساعت به طول می انجامد - مطالب مهم و اساسی را به اطلاع آن جمع انبوه از مسلمانان می رساند. در یک نگاه گذرا، خطبه با مقدمه سنگین توحیدی آغاز می شود که مشحون از معارف مبدئی و معادی است، و بیانگر جایگاه والای این اصل اعتقادی می باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) این مقدمه را با اقرار به بندگی حق تعالی، بدین گونه به پایان می برند که: [صفحه ۲۴] اقر له علی نفسی بالعبودیه و اشهد له بالربوبیه [۱] سپس پیامبر در راستای انجام ماموریت الهی خویش به طرح آیه تبلیغ پرداخته، یاد آور می شوند که در طول راه، سه بار جبرئیل از سوی خدای متعال بر ایشان نازل شده و ضمن بر شمردن برخی صفات و امتیازات ویژه علی (علیه السلام)، پیام وحی الهی را به اطلاع حضرتش رسانیده است که: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته [۲] و باید علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین، ولی و امام بعد از خود به مردم معرفی نمائی. آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار داشتند که من از جبرئیل خواستم که خداوند، مرا از این امر معاف دارد، زیرا چه بسیارند منافقان و چه اندکند پاکان و

پرهیزکاران، که به دنبال این امر حسادت برانگیز، مشکلاتی به بار خواهد آمد. و چنین بود که خدای متعال مرا با پیام و الله يعصمک من الناس [۳] از پیامدها و مشکلات این واقعه مطمئن ساخت. در ادامه خطبه، پیامبر پس از این مطلب، به اعلام صریح و روشن [صفحه ۲۵] و رسمی ولایت حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) پرداخته، و موضوع تداوم این امامت و ولایت را در پاکان از ذریه او یاد آور می شوند، و همگان را از انحراف نسبت به آن حضرت بر حذر می دارند. به دنبال آن، به ذکر یک سلسله از ویژگی ها و امتیازات حضرت علی (علیه السلام) - آن هم به استناد آیات فراوان قرآن - می پردازند که بخش اعظم خطابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را این قسمت تشکیل می دهد. آن گاه برای پیشگیری از هر بهانه جوئی دست برده، بازوی امیرالمومنین (علیه السلام) را گرفته، بالا آورده، و به همگان نشان می دهند. و با صراحتی دوباره کلام پیشین خود در اعلام ولایت و امامت علی (علیه السلام) را تکرار می نمایند. پس از آن با طرح موضوع ثقلین تصریح می نمایند که این دو یعنی قرآن و علی (علیه السلام) و اولاد پاک و معصوم او علیهم السلام تا روز قیامت، با یک دیگر همراهند. سپس بحث را به لقب الهی آن حضرت کشیده و اظهار می دارند: انا قلت عن الله عز و جل انه لیس امیر المومنین غیر اخی هذا و لا تحل امره المومنین بعدی لاحد غیره [۴] آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خدا را بر انجام این ماموریت به شهادت گرفته، نزول آیه اکمال را یاد آور می شوند. در اینجا حضرت، بار دیگر به طرح مجدد برتری های علی (علیه السلام) و تحذیر از مخالفت با [صفحه ۲۶] آن حضرت پرداخته، و ضمن بیان مطالبی می فرماید که: لا نزلت آیه مدح فی القرآن الا فیه، و لا شهد بالجنه فی هل اتی علی الانسان الا له و لا انزلها فی سواه و لا مدح بها غیره [۵] آن گاه سوره عصر را از آغاز تا انجام تلاوت فرموده، و اظهار می دارند که این آیات درباره علی (علیه السلام) نازل گردیده است و به دنبال آن تمام سوره حمد را در همین راستا و با همین عنایت قرائت می فرمایند. پیامبر، پس از آن با طرح گسترده ویژگی یاران ائمه علیهم السلام، به استناد قرآن، پاره ای از مختصان دشمنان ایشان را نیز - با همان تکیه به آیات الهی - بیان فرموده، و آن گاه سخن از امام دوازدهم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به میان می آورند. و ضمن نام بردن با لقب مخصوص از آن حضرت، به ذکر بخشی از اوصاف و امتیازات ایشان می پردازند. آن گاه از مردم می خواهند که پس از پایان خطابه، تمامی آنها با حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) بیعت نمایند، و در عین حال به بیعت شکنان نیز هشدار می دهند. در اینجا پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیرامون برخی از احکام [صفحه ۲۷] اسلام - از جمله حج، نماز و زکات - سخن می گویند. و ضمن بر شمردن برخی از فوائد هر یک از این عبادات، بار دیگر به آگاهی علی (علیه السلام) در تبیین حلال و حرام خدا - پس از خود - تصریح می فرمایند. و پس از اشاره مجدد به حضرت مهدی - آن هم با لقب مخصوص - و اینکه آن حضرت پایان بخش ائمه می باشند، مجدداً به موضوع نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته، و یاد آور می شوند که این مهم یعنی دو فریضه اخیر - به صورت تام و تمام - تنها و تنها در کنار امام معصوم، مفهوم واقعی خود را در می یابد. موضوع دیگری که تقریباً بر سر تا سر خطبه سایه انداخته، آن است که پیامبر می کوشند تا موضوع امامت و ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) و ائمه طاهرین علیهم السلام را امری با ریشه قرآنی بیان فرمایند. لذا در این بخش، با صراحت این موضوع را مطرح می نمایند و نهایتاً از مردم می خواهند که نسبت به مرگ، حساب، میزان، حسابرسی در پیشگاه خدا و ثواب و عقاب به شدت هشیار و بیدار باشند. سپس فرمودند: دست به دست زدن همگان با علی (علیه السلام) به نشان بیعت - به علت کثرت فوق العاده جمعیت - ممکن نیست. آن گاه عبارات ویژه ای را شفاهاً القاء نموده و از مردم می خواهند که بر اساس چنین تعهداتی با امیرالمومنین (علیه السلام) بیعت نمایند و مجدداً آنان را از شکستن این بیعت بر حذر می دارند. در اواخر خطبه، حضرت می فرمایند که فضایل علی (علیه السلام) در پیشگاه خداوند و در قرآن مجید، بسیار فراتر از آن است که بتوان همه آنها را در یک مجلس و طی یک خطابه بیان داشت. پس آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از [صفحه ۲۸] مردم می خواهند که آنچه را فرموده اند تصدیق و تایید نمایند، و بیانات مهم و شیوا و زیبای خویش را این چنین به پایان می برند که: معاشر الناس قولوا ما یرضی الله به عنکم من القول فان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعاً فلن یرضی

الله شیئا، اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و اغضب علی الکافرین و الحمد لله رب العالمین. [۶] آنچه گذشت، نگاهی تند و گذرا بر خطبه غدیر بود، تا خواننده اجمالا در فضای این کلام الهی، حال و هوای آن جمع، و نکات اساسی مطرح شده در این خطابه مهم قرار گیرد. در مقایسه با دیگر خطبه‌های به یادگار مانده از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نظیر خطبه یوم الدار، خطبه روز ورود به مدینه، اولین خطبه نماز جمعه در مدینه، خطبه پیش از آغاز جنگ احد، خطبه روز فتح مکه، خطبه در مسجد خیف، خطبه در سرزمین تبوک و... می بینیم که خطبه غدیر، به لحاظ کمی و کیفی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است. همانطور که در پیشگفتار بدان اشاره رفت، بحث دقیق محتوایی پیرامون موضوع غدیر و خطبه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن روز، کاری مفصل و جداگانه می‌طلبد که از موضوع و حوصله این نوشته کوتاه [صفحه ۲۹] خارج است. اما باید به این نکته دقت کرد که پیامبر در این خطبه، دو سوره کوتاه و مهم قرآن (عصر و حمد) را همراه با بیش از ۵۸ آیه از قرآن مجید در جای جای سخن خود آورده، و همان طور که ملاحظه شد به آن آیات در حقانیت و تبیین موقعیت الهی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) استناد جسته، و این خود امری دقیق و قابل دقت و توجه است. و تازه این همه، علاوه بر مقطعاتی از آیات قرآنی است که حضرتش با کلام خویش به طرز زیبایی در آمیخته‌اند. دقت در این ویژگی، به خوبی می‌تواند چهره واقعی کسانی را افشاء نماید که در گذشته با عبارات کفانا کتاب الله و یا حسبنا کتاب الله [۷] از زیر بار پذیرش موضوع ولایت شانه خالی کردند، و امروز نیز در پناه جمله ظاهر فریب تفسیر قرآن به قرآن - بدون مراجعه به اخبار اهل بیت پیامبر علیهم السلام - در اصل همان اندیشه باطل را دنبال می‌کنند. و هر دو گروه و گرایش، در واقع ولایت و امامت را هدف گرفته‌اند. با اندک دقت در خطبه غدیر، می‌توان به روشنی دریافت که گوئی پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیشاپیش فرموده که حتی اگر بخواهید تنها و تنها به کتاب خدا استدلال بجوئید، چاره‌ای ندارید جز اینکه علی (علیه السلام) را موضوع و مصداق دهها آیه‌ای بدانید که من به الهام الهی، تمامی آنها را در راستای اعلام ولایت و امامت او، از همین قرآن و در مقابل چشم و گوش شما به کار گرفتیم. [صفحه ۳۰] اما دیدیم که آنان نشان دادند که در همین ادعا نیز صادق نیستند، بلکه ناراستی آنان، از اینجا به دست می‌آید که تکیه بر کتاب خدا را، بهانه‌ای برای بستن در خانه‌ای قرار دادند که پیامبر صلی الله علیه و آله، آن در را به مصداق و سد الابواب الا بابه [۸] گشوده بود. از طرف دیگر، پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در این خطابه آیات قرآن را به دنبال هم قرار داد، و یکی را به کمک دیگری تبیین فرمود. این کار، نشان دهنده دو مطلب اساسی بود: اول اینکه تفسیر قرآن به قرآن، تنها و تنها برای معلمین الهی قرآن رواست که زبان واقعی قرآن را دانسته و می‌توانند این حجت صامت الهی را به سخن آورند. [۹] ثانیاً نتیجه این نوع تفسیر - اگر بدرستی صورت گیرد - نیز چیزی جز رسیدن به اسلام امامت و تحکیم جایگاه امیر مومنان و فرزندان معصومینش نمی‌باشد. به هر حال، آمیختگی شگفت‌آور کلام خدا با سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خطبه غدیر، جای دقت و تأمل دارد، آن هم [صفحه ۳۱] امعان نظری بسیار فراتر از آنچه در اینجا بدان اشاره رفت. چنانچه پیش از این نیز، به استناد بخشی از خطبه بیان گردید، از جمله محورهای طرح شده توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این خطبه، همان موضوعی است که در حدیث ثقلین نیز با صراحت مطرح گردیده است آنجا که می‌فرمایند: معاشر الناس ان علیا و الطیبین من ولدی هم الثقل الاصح و القرآن هو الثقل الاکبر، فکل واحد منبیء عن صاحبه و موافق له لن یفترقا حتی یردا علی الحوض [۱۰] نکات اصلی این کلام را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود: الف - علی (علیه السلام) و اولاد معصومین پیامبر صلی الله علیه و آله، جملگی ثقل اصغر می‌باشند. ب - قرآن ثقل اکبر است. ج - هر یک از این دو، همواره از دیگری خبر می‌دهند. د - این دو موید و موافق یکدیگر می‌باشند - این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند. و - این دو تا پایان جهان باقی و پا برجایند، و سرانجام در جهان دیگر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ملحق می‌شوند. [صفحه ۳۲] اینک در راستای موضوع این نوشته، سوالی مطرح می‌گردد که: از سویی این دو ثقل از یکدیگر جدا نمی‌شوند و تا پایان جهان با یکدیگر هستند. و از سوی دیگر، قرآن - ثقل اکبر - امروز موجود و در دست می‌باشد. پس هم اکنون بازمانده از فرزندان معصوم پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که بنا به فرمایش

حضرتش، تالی قرآن و ثقل دیگر و همپای آن می باشد - کیست؟ اگر گفته شود: کسی نیست، قهرا کلام و تصریح پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نقض شده که امری نارواست. اگر این فرد در دیگرانی غیر از همان رشته معرفی شده از سوی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) جستجو شود، این هم گام نهادن در راهی ناصواب است. در این صورت ساده ترین راه آن است که در همان خطبه بنگریم و پاسخ صحیح سوال را از خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) جویا شویم. آن حضرت در سه موضع از خطابه غدیر، به این پرسش پاسخ روشن و گویا داده اند. و این تازه، علاوه بر سایر مواردی است که با واژه ائمه به سلسله جانشینان خود اشاره فرموده اند که به طور طبیعی، پرسش مذکور در این بخش ها هم، به نوعی پاسخ داده شده است. در صفحات آینده این نوشته، به طرح و بحث این پاسخگویی می پردازیم. [صفحه ۳۳] پاورقی [۱] خطبه غدیر: من به بندگی خویش در پیشگاه خدای تعالی اقرار نموده بر ربوبیت حضرتش گواهی می دهم. [۲] قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۶۷: ای پیامبر، آن چه از سوی خدایت بر تو فرو فرستاده شده به مردم ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، گویی که اساسا رسالت او را - به مردم - نرسانده ای. [۳] خدا ترا از - شر - مردم محافظت خواهد نمود. (سوره مائده، آیه ۶۷). [۴] خطبه غدیر: من از جانب خدای بزرگ گفتم که جز برادم - علی (علیه السلام) - کسی امیرالمومنین نیست، و زمامداری و ولایت بر مردم مومن پس از من، جز برای او برای هیچ کس دیگر روا نیست. [۵] خطبه غدیر: هیچ آیه ستایشی در قرآن مجید فرستاده نشده مگر آن که او را مورد نظر داشته. و در سوره هل اتی، جز برای او، برای دیگری بهشت برین خداوند مورد شهادت واقع نشده است. این سوره برای دیگری جز او و به مدح کسی غیر او نازل نگردیده است. [۶] خطبه غدیر: ای مردم! سخنی بر زبان رانید که خدا از شما بدان سخن رضایت داده و بر آن راضی است. و آگاه باشید که اگر شما و تمام مردم زمین، راه کفر - حق پوشی - پیشه کنید، هرگز زیبایی به خدای متعال وارد نخواهد شد. خدایا مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و بر کافران غضب نمای. و سپاس و ستایش، خدای عالمیان را سزاست. [۷] این هر دو جمله مدعای نادرست مخالفان شیعه را در کفایت قرآن - به تنهایی برای ما نشان می دهد. [۸] دعای ندبه: پیامبر (ص) تمامی درها به مسجد خود را جز در خانه علی (ع) بریست. [۹] حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند: ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق (این قرآن است، خود سخن نمی گوید، آن را به سخن آورید. (نهج البلاغه خطبه ۱۵۷ کنایه از اینکه به سخن در آوردن قرآن، کار همه کس نیست و انسانهای والا و کار آزموده ای را می طلبد که با بهره داشتن از علم الهی، توان گویا کردن این کلام الهی را داشته باشند که اینان جز معصومین نیستند و تنها اینان دانایان علوم این کتاب می باشند. [۱۰] خطبه غدیر: هان ای مردم! علی (علیه السلام) و پاکان از فرزندان من، ثقل اصغر و قرآن مجید ثقل اکبر می باشند. این دو هر یک از دیگری خبر می دهد و با آن مطابق است. از یک دیگر جدایی نخواهند داشت تا توامان در کنار حوض کوثر - در بهشت - به من باز گردند.

### همپای نور

قرآن مجید سخن از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در میان آورده، و گوشه ای از ویژگی های حضرتش را بر شمرده است. در همان آیه، به برخی از مختصات مومنان به آن حضرت نیز اشاره نموده، و سپس در همین زمینه می فرماید: فالذین آمنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون [۱] آنان که به پیامبر ایمان آورده و حرمت و عزت او را پاس داشتند و یاریش نمودند و از نوری که همپای او فرو فرستاده شده بود پیروی نمودند هم آنان رستگارانند. در آیه دیگری نیز در همین زمینه و با مضمونی مشابه می فرماید: فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا و الله بما تعملون [صفحه ۳۴] خبیر [۲] به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستادیم، بگروید و خداوند به عمل کرد شما آگاه است. در اینجا این سوال مطرح است که منظور از نور فرو فرستاده شده همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) چیست؟ ممکن است گفته شود: مراد از این نور، همان قرآن است، و در این باب حتی به آیاتی دیگر از قرآن مجید استشهاد به عمل آید، از جمله آنجا که می فرماید: قد جائکم من اللهم نور و کتاب مبین. [۳] در پاسخ

می‌گوییم: گر چه یکی از اسامی قرآن نور است، اما به نظر نمی‌رسد که در آیات اشاره شده، مراد از کلمه نور، همین قرآن باشد، چرا که آیه مردم را به ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نوری فرا می‌خواند که همراه او آمده. و روشن است که ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از ایمان به قرآن جدا نیست، زیرا امکان ندارد که کسی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ایمان واقعی بیاورد، اما قرآن را که بینه پیامبری اوست، منکر باشد. زیرا ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اعتقاد به قرآن، آن چنان به یک دیگر گره خورده که امکان جداسازی میان آن دو، وجود ندارد. در این صورت روشن می‌گردد که قاعدتا باید منظور از کلمه نور در این آیات، مطلب دیگری باشد. مراجعه به خطابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در غدیر، کار را [صفحه ۳۵] آسان می‌کند و به روشنی نشان می‌دهد که واقعیت امر چیست. حضرتش می‌فرماید: معاشر الناس! آمنوا بالله و رسوله و النور الذی انزل معه، من قبل ان نظمس وجوها فتردها علی ادبارها... معاشر الناس! النور من الله عز و جل فی مسلوک، ثم فی علی، ثم فی النسل منه الی القائم المهدی، الذی اخذ بحق الله و بكل حق هو لنا. [۴] در اینجا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با صراحت، منظور از جریان نور را علاوه بر خود، بر علی (علیه السلام) و نیز بر نسل ایشان تا حضرت مهدی (علیه السلام) جاری و ساری می‌داند، و تصریح می‌نماید که آن نور - هدایت الهی - که در من نهاده شده، پس از من در علی (علیه السلام) و پس از او در نسلش تا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) قرار دارد. بدین سان پیامبر (صلی الله علیه و آله) رشته نبوت را به امامت پیوند داده، و آن را تداوم رسالت خود در دو بعد تبیین و اجرای کامل و جامع الاطراف تلقی می‌نماید. [صفحه ۳۶] به همین دلیل، پس از ایشان، ائمه طاهرین نیز همواره در مواجهه با آیات مورد نظر، مراد از نور را با عباراتی بیان و تفسیر نمودند، مانند: النور هو علی [۵] النور فی هذا الموضع امیر المومنین و الائمه [۶] النور و الله الائمه من آل محمد الی یوم القیمة [۷] هم و الله نور الله الذی انزل [۸] و مفسرین و محدثین نیز در همین راه و بر همین اساس گام برداشتند. [۹]. [صفحه ۳۷] و اما در خصوص موضوع این نوشتار - یعنی سیمای امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) در خطبه غدیر - این اولین قسمتی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خطبه خویش، سخن از آن حضرت در میان آورده اند و ایشان را با لقب ویژه (القائم) خوانده اند. و روی دو نکته پای می‌فشارند: اول اینکه امامت در خاندان علی علیهم السلام جاری و ساری خواهد بود، به طوری که این رشته الهی در آغاز به دست علی (علیه السلام) و در انجام به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه سپرده شده است. نکته دوم اینکه بر ویژگی خاص امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) تاکید می‌نماید که حضرتش حق خدا و تمامی حق اهل بیت را که از آن ایشان بوده، از غاصبان این حقوق باز خواهد ستاند. چه زیباست که در آن شرایط، پیامبر (صلی الله علیه و آله) این چنین آینده را به روشنی ترسیم می‌نماید که علی رغم همه ما دیگری‌ها، نابسامانی‌ها، حق‌کشی‌ها، گردن‌کشی‌ها، گرایش‌های باطل، اسلام ستیزی‌ها و... نهایتاً کار با ظهور و حضور مصلحی توانمند و الهی به سامان می‌رسد، و پرچم هدایت جهان و جهانیان به دست با کفایت فردی از تبار امیرالمومنین (علیه السلام) سپرده می‌شود، و او به سلامت و سرفرازی این پرچم را بر بلندترین آبدیهای گیتی به اهتزاز در می‌آورد، و به تعبیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله): یاخذ بحق الله و بكل حق هو لنا همین آینده نگری روشن است که با وجود تمام گرفتاریهای حال، مردم مسلمان را همواره و همچنان گوش به زنگ و چشم به راه ساخته، تا [صفحه ۳۸] مگر دستی از غیب برون آید و کاری بکند، و همه تلاش و توان خود را در پرتو فریضه انتظار فرج به کار گرفته و می‌گیرند، تا زمینه ساز ظهور آن عدل مجسم باشند که زنده کننده خاطر امیرالمومنین (علیه السلام) است. علی (علیه السلام) نیز خود در جای جای سخنانش، این آینده پر نور را نوید داده، و دلها را به سوی آن امام همام روانه ساخته است. گاه با لحنی خاص که از محتوای کلامش بر می‌آید، چنین می‌فرماید: الا و فی غد و سیاتی غد بما لا تعرفون هان ای مردم هشیار باشید، برای فردایی که آن را به درستی نمی‌شناسید و چندان به ویژگی‌های آن آگاهی ندارید. در آن فردا، زمام کار به دست کسی خواهد افتاد که از تیره و تبار شاهان روزگار نیست، او به شدت کارگزاران حکومت را بر اعمالشان بازخواست خواهد نمود. و کائنات با او همراه می‌شوند به طوری که: تخرج له الارض افالیند کبدها و تلقی الیه سلما مقالیدها زمین تمامی

دارائی های درونش را بیرون ریخته و در اختیار او می گذارد. و کلید گنجینه های خود را از سر صلح و صفا به او تسلیم می نماید. و او در حکومتش: فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الکتاب و السنه. [۱۰]. [صفحه ۳۹] راه و روش داد و دادگری در اداره جامعه را به شما خواهد نمایاند. و بار دیگر، آنچه از کتاب الهی و سنت نبوی به ورطه فراموشی و نیستی افتاده، زنده خواهد کرد. می بینیم که سخن علی (علیه السلام) به گونه ای، تفصیل همان جمله کوتاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در توصیف امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) است. [۱۱] ضمن آن که به ترسیم آینده پرداخته و وقوع آن را [صفحه ۴۰] حتمی و قطعی می شمارد، با نمایاندن چهره زمامدار الهی آن دوران، گوشه هایی از همراهی زمین و زمان را نیز با او یاد آور می شود. و نهایتاً دو بعد ممتاز حکومت او - یعنی احیای فرهنگی - و عدالت اجتماعی را به عنوان شاخص های اصلی در این نظام نام می برد. در پرداختن به بخشهای بعدی خطابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پیرامون امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) باز هم از خرمن کلام گهر بار علی (علیه السلام) در این زمینه ها توشه خواهیم گرفت. [صفحه ۴۱] پاورقی [۱] قرآن مجید سوره اعراف آیه ۱۵۷. [۲] قرآن مجید سوره تغابن آیه ۸. [۳] قرآن مجید سوره مائده آیه ۲۵. از جانب خداوند نور و کتاب روشن برایتان آمد. [۴] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. خطبه غدیر: هان ای مردم! به خدا و رسولش، و به نوری که همپای او آمده ایمان بیاورید، پیش از آن که دستتان از میدان عمل کوتاه، و اعمالتان بی بها گردد، و به نشان حسرت و افسوس روی به عقب برگردانید. هان ای مردم! نور خدائی در من نهاده شده، سپس در علی و پس از آن در نسل او تا امام دوازدهم قرار گرفته است. همان کس که حق خداوندی و تمامی حقوقی را که از آن ما بود، باز پس خواهد گرفت. [۵] بحار الانوار ج ۳۵ ص ۴۰۴. روایت از امام باقر (علیه السلام). [۶] بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۳۱۰. روایت از امام صادق (علیه السلام). [۷] بحار الانوار ج ۹ ص ۲۴۳. روایت از امام باقر (علیه السلام) ذیل آیه ۸ سوره تغابن. [۸] همان مدرک. [۹] مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در کتاب شریف بحار الانوار جلد ۳۵ باب ۲۰، روایاتی را ذیل عنوان انه نزل فيه صلوات الله عليه الذكر والنور والهدى والتقى فى القرآن، پیرامون حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) گرد آورده است. همچنین در ج ۲۳ ص ۳۰۴ باب دیگری تحت عنوان انهم انوار الله و تاویل آیات النور فیهم علیهم السلام منعقد نموده که در آن ائمه علیهم السلام مصداق کلمه نور قرار گرفته اند. علی ابن ابراهیم قمی در این زمینه در تفسیر خود می گوید: الدلیل علی ان النور امیر المومنین (علیه السلام) قوله: و اتبعوا النور الذی انزل معه... (بحار الانوار ج ۲۵ ص ۴۸). در مجلدات مزار کتاب بحار، از جمله ج ۱۰۰ ص ۳۴۷ و ص ۳۵۲ و ج ۱۰۲ ص ۱۳۹ برخی زیارات امیرالمومنین (علیه السلام) نقل شده که در بخشهایی از آن، حضرت با همین ویژگی نور فرو فرستاده شده همپای رسول توصیف شده است. [۱۰] جملات مندرج در این قسمت، از خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه نقل و توضیح داده شده است. [۱۱] یکی از شارحین غیر شیعی نهج البلاغه - ابن ابی الحدید معتزلی - در شرح این خطبه، پس از بیان یک سلسله مسائل ادبی و تحلیل کلام امام (علیه السلام)، مراد از کلمه والی در آن را این چنین بیان می نماید: یعنی الامام الذی یخلقه الله فی اخر الزمان... (یعنی آن پیشوایی که خداوند او را در آخر الزمان خواهد آفرید). و در توضیح کلمه افلیذ هم می گوید: و هذا کنایه عن الكنوز التي تظهر للقائم بالامر، و قد جاء ذکر ذلك فی خبر مرفوع فی لفظه: و قادت له الارض افلاذ کبدها. و قد فسر قوله تعالی: و اخرجت الارض اثقالها بذلک فی بعض التفاسیر (این کلمه، اشاره به گنجهایی است که برای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه ظاهر می شود و در خبر این مطلب نیز آمده که: زمین درون خود را برای او بیرون خواهد ریخت. و در بعضی تفاسیر نیز مراد از آیه ۶ سوره زلزال که می فرماید: زمین سنگینی های درون خود را بیرون می ریزد همین مطلب دانسته شده است). البته باید توجه داشت که شارح مذکور - بر اساس عقاید گروهی از اهل تسنن - به غلط امام عصر (علیه السلام) را مولود آخر الزمان می داند که باوری نادرست است، زیرا - همان طور که در متن نیز به تفصیل بیان شد - این امام بنا بر آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنان راهگشای خود در غدیر فرمودند، ضرورتاً باید در کنار قرآن و در خارج موجود باشد تا همپایی قرآن و عترت که مورد تاکید اکید آن حضرت می باشد، به درستی واقع شده و مفهوم صحیح خود را پیدا نماید.

## سیمای حضرت مهدی به روایت غدیر

در آن صحرا، جحفه، و بر کنار آن غدیر، خم، و در حضور آن جمع، پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ادامه کلام الهی خویش، دامنه سخن را به مسائل مربوط به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) کشانیده، زبان به توصیف آن امام همام گشودند، و گوشه‌هایی از شخصیت همه جانبه آن بزرگوار را به مردم نمایاندند. حساسیت این قسمت از سخن را، از آنجا می‌توان دریافت که حضرتش هیچ‌جا بار مردم را با تکرار یک لغت هشدار دهنده، به دقت در کلام خود فرا می‌خواندند. حضرتش در این بخش به دفعات، کلمه الا به معنی هان! آگاه باشید را به کار می‌برند، تا همگان دریابند که موضوع از اعتبار، ارزش، حساسیت و اهمیت ویژه برخوردار است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز این بخش، بار دیگر - برای چندین مرتبه در طول سخنرانی - روند پیوسته نبوت و امامت را مطرح [صفحه ۴۲] نموده و یاد آور می‌شوند که سررشته این نظم، در دست علی (علیه السلام) است و پایان بخش این روند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشند، بدین صورت که: معاشر الناس انی نبی و علی وصی. الا و ان خاتم الائمة منا القائم المهدی [صلوات الله علیه] [۱] پس آن گاه با بر شماری ۲۱ ویژگی اساسی و مهم از مختصات عمده آن امام، به گونه‌ای گوشه‌هایی از حرکت و کار و تلاش و برنامه‌ها و دستاوردهای نظام الهی حضرتش را ترسیم می‌نمایند، به طوری که با اندک دقت و ریزینی در این مختصات، می‌توان ابعادی مختلف از مسائل مربوط به آن حضرت را دریافت. پیامبر فرمودند: الا انه الظاهر علی الدین. الا انه المنتقم من الظالمین. الا انه فاتح الحصون و هادمها. الا انه قاتل کل قبیله من اهل الشرك. الا انه مدرک کل ثار لاولیاء الله عز و جل. الا انه ناصر دین الله عز و جل. الا انه الغراف من بحر عمیق. الا انه یسم کل ذی فضل بفضله و کل ذی جهل بجهله. الا انه خیره الله و مختاره. [صفحه ۴۳] الا-انه وارث کل علم و المحيط به. الا-انه المخبر عن ربه عز و جل و المنبه بامر ایمانه. الا انه الرشید السدید. الا انه المفوض الیه. الا انه قد بشر من سلف من بین یدیه. الا انه الباقی حجه و لا حجه بعده و لا حق الا معه و لا نور الا-عنده. الا-انه لا-غالب له و لا-منصور علیه. الا-انه ولی الله فی ارضه و حکمه فی خلقه و امینه فی سره و علانیته. ای مردم آگاه باشید! او بر قاطبه ادیان پیروز خواهد گردید. آگاه باشید! او از ستمکاران انتقام خواهد گرفت. آگاه باشید! او تمامی دژها را فتح نموده و ویران خواهد ساخت. آگاه باشید! او تمامی طوایف و قبائل شرک را درهم خواهد کوبیده و نابود خواهد ساخت. آگاه باشید! او انتقام خون دوستان خدا را باز خواهد ستاند. آگاه باشید! او یار و یاور دین خدای بزرگ است. آگاه باشید! او کشتیانی کار آزموده در دریائی عمیق است. آگاه باشید! او فاضلان را به فضلشان و جاهلان را به جهلشان می‌شناسد و می‌شناساند. [صفحه ۴۴] آگاه باشید! او برگزیده خدا و منتخب اوست. آگاه باشید! او وارث تمامی دانش هاست و به همه علوم تسلط و احاطه دارد. آگاه باشید! او از خدایش برای شما گزارش می‌نماید و شما را به چگونگی ایمان به خدا می‌آگاهاند. آگاه باشید! او راست کار و درست کردار و استوار و پابرجاست. آگاه باشید! که امور خلقت و خلاق - از سوی خدا - به او واگذار شده است. آگاه باشید! که تمامی پیام‌آوران گذشته به آمدن او نوید داده‌اند. آگاه باشید! که آن حضرت آخرین حجت الهی است و پس از او دیگر حجتی نخواهد آمد، حق - تماما - با او و نور نزد اوست. آگاه باشید! کسی را یارای چیرگی بر او نیست. آگاه باشید! او ولی خدا در زمین است و داور دادار در میان آفریده‌های اوست، و امین خدای متعال در پنهان و پیدای اوست. بار دیگر به دقت بر این توصیف‌ها بنگریم، و دریابیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سالیانی دراز قبل از تولد، و قرن‌ها پیش از ظهور آن حضرت با چه انگیزه‌ای چنین شخصیتی از ایشان به دست می‌دهد؟ و بدان گونه خطوط اصلی آن نظام الهی به رهبری حضرتش را ترسیم [صفحه ۴۵] می‌نماید؟ آیا می‌توان هدفی جز دمیدن روح امید و انتظار، و آگاهانیدن نسله‌ها و آماده‌سازی آنان برای تحمل دوران سخت‌غیبت، همراه با تلقی صحیح از آن پنهانی دشوار، و تلاش پیگیر در تحقق و برپایی آن آینده نورانی در این کار سراغ داد؟ اگر این راستا را صحیح ندانیم، آیا پسندیده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شرایطی که تنها سه تن از امامان (امیرالمومنین



و امام حسن و امام حسین علیهم السلام) در دوران حیات ظاهری خویش بودند، سخن از نظام آینده جهان و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آن هم به این گستردگی و تفصیل در میان آورند؟ نظامی که در آن به فضل و جهل با یک دیده نگریسته نمی شود، و فاضلان و جاهلان در هم نمی آمیزند، تا کار تشخیص و تمییز دشوار گردد. بلکه حضرتش در پرتو بینش الهی خود، این دو طایفه را از هم جدا نموده، و به روشنی فاضل را به فضلش و جاهل را به جهلش، به همگان می نمایاند. قیام آن حضرت، در راستای یک حرکت مشخص و گویای تاریخی در طول ادوار مدنیت بشر تفسیر می شود، و او تحقق بخش نویدهای تمامی پیام آوران سلف معرفی می گردد که ماموریتش به ثمر و هدف رسانیدن تلاش های آنان خواهد بود. در یک نگاه، آن امام همام، مظهر علم و قدرت الهی معرفی می شود. این آگاهی، برای او دانش و بینشی فوق تصور به بار می آورد، و آن قدرت خدا دادی، وی را در موضعی می نشاند که هیچ گردن فرازی نتواند در راه پیاده شدن اهداف آن نظام الهی سنگ اندازی و مانع تراشی نماید. [صفحه ۴۶] اگر این قیام الهی نباشد، خلقت عبث جلوه می نماید، و این اندیشه باطل بر صفحه ذهنها نقش می گیرد که آیا هدف از هستی، همین بود که مردمی بیایند و نسل به نسل بروند، و حاکمانی دست به دست در تاریخ حاکم شوند و خونریزی کنند و غارت نمایند و بساط جور و ستم بگسترانند و مظلومان را به زنجیر بکشند و... از این رو، در جهت پاسخ به این پندار نادرست، خدای عزیز حکیم، ولی مقتدر خویش را با توان و آگاهی الهی زمامدار جهان می نماید که او دژهای کفر و بی دینی را درهم کوبد، از ظالمان انتقام گیرد، با شرک در ستیزد آید، داد مظلومان را بستاند، و خون شهیدان را پاس نهد، دین را یاری کند، سکان کشتی طوفان زده بشریت را به دست با کفایت خویش گیرد و انسانها را به سر منزل مقصود رهنمون گردد. و چه زیباست که ما آن روزگاران را نظاره گر باشیم. با مطالعه سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این بخش از خطابه، علاوه بر شخصیت فردی آن حضرت، می توان با ابعاد الهی، سیاسی، عدالت اجتماعی، علمی و فرهنگی، تاریخی، هدایتی و... این نظام آشنا شد. و خدا را، که توفیق درک آن زمان و زمانه، ما را دست دهد. به هر حال، پیامبر (صلی الله علیه و آله) کم کم دامن سخن خویش را در آن صحرای سوزان جمع می نماید. و در اواخر خطابه خویش، سخن از گستره حلال و حرام نموده و یاد آور می شوند که این مطلب، بسیار فراتر از آن است تا در یک نشست و در خلال یک خطابه بتوان تمامی آن را بازگو نمود. آن گاه چنین می فرمایند: فامرت ان اخذ الیعه منکم و الصفقه لکم بقبول ما جئت [صفحه ۴۷] به عن الله عز و جل فی علی امیر المومنین و الائمه من بعده الذین هم منی، و منه ائمه قائمهم المهدی الی یوم القیامه الذی یقضی بالحق... من - از سوی پروردگار جهان - فرمان داده شده ام تا از شما بر قبول آنچه از جانب خدای عز و جل درباره امیر مومنان علی (علیه السلام) و ائمه پس از او آورده ام، که - در نسل و تبار - از من و اویند، عهد وفاداری و بیعت بستانم. امامانی که قائم آنان مهدی، تا بر پای قیامت برقرار خواهد بود، و اوست که بر حق و عدل حکم خواهد کرد... و بدین سان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سومین جای از کلام خود، یاد امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) را زنده می دارد. و این سه موضع - همان طور که گذشت - علاوه بر یازده مرتبه ای بود که در طول سخن، حضرتش از واژه عمومی و کلی ائمه در زمینه معرفی پیشوایان پس از خود استفاده نمودند، و شان و جایگاه و مشخصه والای آنان را با عبارت الامامه فی ذریتی من ولده الی یوم القیامه بیان داشتند. پیشوایانی که آنان را در جایی دیگر از همین کلام، الطیبین من ولدی خواندند و آنان را ثقل اصغر دانستند، که بر کنار کتاب خدا ثقل اکبر نشسته اند. تا آنجا که ایشان در بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امناء الله فی خلقه و حکامه فی ارضه تعبیر شدند، و در طی سخن به دفعات، امامان را در رابطه با علی (علیه السلام)، با وصف ولدی من صلبه و عباراتی از این ردیف ستودند. اینک روشن است که از چه رو، این بخش از نوشته، سیمای [صفحه ۴۸] حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به روایت غدیر نام گرفت، چرا که حاوی روشنگری در زمینه معرفی نام و یاد و راه و رسم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) بود که در سایه پرتو ناشی از کلام نورانی پیامبر، بر پهنه دل و ذهن خواننده می نشست، و امید که این رهگشائی ما را نیز کارساز افتد. [صفحه ۴۹] پاورقی [۱] خطبه غدیر: ای مردم! من پیامبر هستم و علی وصی من است. آگاه باشید، که آخرین امام از ما، قائم، مهدی است.

## تا کی در انتظار؟

اینک که تو سن سخن، می رود تا آرام گیرد و از تاختن باز ایستد، با مبعوث غدیر هم آواز می شویم، و موعود غدیر را خطاب نموده و می گوئیم: متی تنتظرا!، و دل خوش می داریم که او در ادامه سخن ما را با این کلام امید بخشیده که: ابشر بنصر قریب من رب رحیم [۱] این کلام از آن علی (علیه السلام) است که در دهه چهارم هجرت نبوی، روی در خطاب به آن عزیز کرده، و از سر شگفتی و اشتیاق می پرسد: تا کی در انتظار؟ و گوئی که چشم به راهان مشتاق را به یاری نزدیک از پیشگاه خدای مهربان خبر می دهد. این پیام، عرصه تاریخ را در نور دید، و از دل صدها و هزاران حادثه هولناک و از بستری مالامال از نشیب و فراز گذشت، و اینک گوش [صفحه ۵۰] جان ما را می نوازد که: ایس الصبح بقریب [۲] آیا بامدادان طلوع او نزدیک نیست؟ گویا مظلوم غدیر، در آینه تاریخ، او و برنامه کارش را بر دور دست افق نظاره کرده بود که می گفت: یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی، و یعطف الرای علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرای [۳] او هدی را جایگزین هوی خواهد نمود، آن گاه که هر یک از این دو را - به غلط و ناروا - جای دیگری نشانده اند. و آن دم که بساط استادی و حکومت آراء - باطله - بر قرآن رواج گرفته باشد، او این سفره را بر می چیند، و بار دیگر قرآن را بر موضع بلند هدایت [صفحه ۵۱] اندیشه ها می نشاند، و آراء مردم را به تبعیت از آن فرا می خواند. هم آن عزیز، شتابزدگان این وادی را هشدار می داد که: فلا تستعجلوا ما هو کائن مرصد [۴] بر آنچه که به قطع و یقین واقع شدنی است، بیهوده شتاب مگیرید. امیرالمومنین (علیه السلام) غمزدگان داستان اسف بار تنها ماندن خود و دل‌های پر غصه از قصه های رنج آور فرزندان پاکش را همواره امید می بخشید که - علی رغم همه این رنج ها و شکنج ها به آینده چشم بر دوزند، و در آن آینه تصویر محتوای کلام نورانی علوی را به روشنی ببینند که: لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها [۵] یقینا جهان - چونان شتری بد خو و سرکش که به هر حال و به ناچار به سوی فرزندش باز می گردد - بار دیگر به ما رو خواهد کرد. و آنان که شاهد این کلام، از آن مظلوم غدیر و سقیفه بودند، به گوش خود شنیدند که دهان حضرتش در دنباله این سخن، به تلاوت این آیه از قرآن مجید مترنم گشت: و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم [صفحه ۵۲] ائمه و نجعلهم الوارثین [۶] و بدین سان اراده قطعی و حتمی الهی را پشتوانه کلام خود در روی کرد دوباره دنیا به خاندان خویش تلقی نمود. علی (علیه السلام) فتنه ها و آشوبها را در زمان خود شاهد بود، و شیوع این بلایا را برای آیندگان نیز در گستره وسیعی می دید و همواره هشدار می داد تا منتظران مشتاق هرگز سر فرود نیاورند، و دیده به راهان شیفته، قامت زیر بار مشکلات دو تا نکنند، و به رغم درگیری ها همواره در پهنه فکر و صحنه دل خویش، فرزند والایش را ببینند که پای در رکاب نهاده، گام در میان گذارده و تیغ از نیام برکشید، تا هر که را به فراخور حال و قال به راه آورد، و پاداش و جزا بخشد. و یاد آور می شد که آن حضرت را ابرهای تیره فتنه و آشوب، از انجام این ماموریت حساس و مهم باز نخواهد داشت، چرا که: الا و ان من ادرکها منا یسری فیها بسراج منیر و یحذو فیها علی مثال الصالحین [۷] آری، یادگار امروزین غدیر - امام حجه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه - در مواجهه با تیرگی ها و تیره روزی ها، در پرتو هدایتی الهی گام بر می دارد، و دل تاریکی ها را می شکافد، و به سان [صفحه ۵۳] پیشینیان صالح خود گام برداشته، و پای در جای پای آنان می نهد، تا یک جهان نور و روشنی به بار آورد. آن گاه علی (علیه السلام) برای آن که پیشاپیش جلوی هر گونه تفسیر و تاویل و توجیه ناروا را گرفته باشد، با صراحت و به روشنی فرمود: او را غیبتی است بس طولانی، تا آنجا که ناآگاهان گویند: ما لله فی آل محمد حاجه [۸] دیگر خدا را به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیازی نیست. حضرتش، ویژگی آن سفر کرده به دیار غیبت را این چنین بیان می کرد که: صاحب هذا الامر الشریذ الطرید الفرید الوحید. [۹] آری طول دوران جانکاه غیبت، سبب می شود تا او وارها نیده شود و تنهای تنها باقی بماند. علی (علیه السلام) می فرمود که او را غیبتی است که بسی به درازا خواهد کشید، و چنین است که: تخفی ولادته و یغیب شخصه [۱۰] او نه

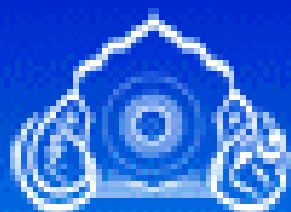
تنها پنهانیش طولانی که تولدش نیز در نهان صورت می‌گیرد. و آن گاه که صحابی نامدار او - اصبع بن نباته - حضرتش را در [صفحه ۵۴] حالتی متفکرانه دید و علت را جويا شد، امام (علیه السلام) در پاسخ به او فرمود: فکرت فی مولود یكون من ظهري، الحادی عشر من ولدی، هو المهدی یملوا عدلا کما ملئت جورا و ظلما، تکنون له حیره و غیبه یضل فیها اقوام و یهتدی فیها آخرون. [۱۱] من درباره یازدهمین فرزند از صلب خویش می‌اندیشیدم. او مهدی عجل الله تعالی فرجه است. زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود، آن سان که از جور و ستم مالامال گشته، برای او غیبت - و برای مردم - حیرانی در این امر است. جمعی در این غیبت و حیرت گمراه شده، و جمعی دیگر راه خواهند یافت. و اینک ما، در آستانه غدیر، مبعوث آن روزین غدیر را در ظاهر از دست داده ایم، و با وارث امروزین و حاضر غدیر، امام مهدی حجه بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه تنها مانده ایم. هر دو، دوران سخت و جانکاه غیبت را می‌گذرانیم، اما او کجا و ما کجا؟ او چه سان و ما چه [صفحه ۵۵] سان؟ و ما در سر، سودای آن داریم که او نوای حزینمان را در بامدادان جمعه ای از جمعه ها پاسخ گوید، آن گاه می‌گوئیم: متی ترانا و نریک و قد نشرت لواء النصر تری [۱۲] در سر شوق آن داریم و در دل شور این، که تا زنده ایم، سرانجام روزی فرا رسد که حضور آشکارش را جشن گرفته و شادی کنیم، و نحن نقول: الحمد لله رب العالمین [۱۳] و زبان به ستایش الهی بگشائیم. و کوتاه سخن در آخر این مقال، آن که: یا امیرالمومنین! به رغم آنان که تنها به فاصله هفتاد روز، به نامردمی، پیام و کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در مورد شما به فراموشی سپرده، از آستانتان روی گرداندند و خفت به بار آوردند، اینک خدای جهان را - به تمامی جان و از سویدای دل - بر این فضل و هدایت شاکریم که با گذشت چهارده قرن از آن روزگاران، و در پی نزدیک به دوازده قرن از میلاد و آغاز غیبت موعود بزرگوار غدیر، همچنان به پایمردی و استوارانه، بر عهد ولایت این خاندان - علی (علیه السلام) در آغاز و مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در انجام - ایستاده ایم. و امید که عزت به بار آوریم. اینک پیروزمندانه، حماسه چشم به راهی می‌سراییم، و سرود [صفحه ۵۶] انتظار سر می‌دهیم. و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله. [۱۴]. و السلام پاورقی [۱] ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۳۴، ذیل خطبه ۷۰. [۲] قرآن مجید، سوره هود، آیه ۸۱. این آیه در داستان حضرت لوط و نزول عذاب بر مردمی است که پیامها و دعوت آن حضرت را نپذیرفته، هدایت های او را نادیده گرفته، و بر عمل ناشایسته خویش اصرار می‌ورزیدند. این پافشاری موجب ناراحتی آن حضرت بود، به طوری که به بیان قرآن مجید، حضرت لوط می‌فرمود: لو ان لی بکم قوه او آوی الی رکن شدید (هود - ۸۰) (ای کاش برای من نیروی خاصی بود، یا می‌توانستم به رکن قدرتمندی پناه برم - و از او کمک گیرم). در روایات ذیل این آیه آمده که مراد از قوه، نیروی امام عصر عجل الله تعالی فرجه و منظور از رکن شدید، سیصد و سیزده تن اصحاب و یاران ویژه آن حضرت می‌باشند (رجوع کنید به: معجم احادیث الامام المهدی (علیه السلام) ج ۵ ص ۱۷۲ و ۱۷۳). [۳] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸. [۴] نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰. [۵] علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، حکمت شماره ۲۰۰. [۶] قرآن مجید. سوره قصص، آیه ۵: و چنین اراده می‌کنیم که بر ضعیف نگاه داشته شدگان زمین منت نهیم، و ایشان را به پیشوایی رسانیده، و آنان را وارثان - زمین - قرار دهیم. [۷] علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰. [۸] علی (علیه السلام)، کمال الدین صدوق، ج ۱ ص ۳۰۳. [۹] علی (علیه السلام)، (مدرك بالا). [۱۰] علی (علیه السلام)، (مدرك بالا). [۱۱] علی (علیه السلام)، کمال الدین صدوق، ج ۱ ص ۲۸۹. لازم به یاد آوری است که محدث نامی شیعه مرحوم صدوق در کتاب ارزنده کمال الدین، ذیل باب ما اخبر به امیر المومنین علی بن ابی طالب من وقوع الغیبه بالقائم الثانی عشر من الائمة در جلد اول صفحات ۲۸۸ تا ۳۰۵، جمعا ۱۹ روایت از علی (علیه السلام) - با ذکر طبقات روات - تنها در زمینه غیبت امام عصر حجه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه آورده است. [۱۲] دعای ندبه، خطاب به امام عصر (علیه السلام): کی شود که تو ما را ببینی، و ما تو را ببینیم، در حالی که لوای پیروزی را - به گونه مشهود - برافراشته ای؟ [۱۳] دعای ندبه: و ما بگوئیم: حمد، برای خدای جهانها است و بس. [۱۴] قرآن مجید سوره اعراف آیه ۴۳. بد نیست بدانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طی خطابه غدیر، آنجا که آیاتی از قرآن را در فضل و ارج و قدر

علی (علیه السلام) مطرح می فرمودند، به این آیه نیز استناد جسته و فرمودند: سلموا علی علی بامرہ المومنین، و قولوا: سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر، و قولوا: الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله. بر علی (علیه السلام) به عنوان امیرالمومنین سلام دهید، و بگویید: شنیدیم و اطاعت کردیم، ای خدای ما! مغفرت ترا می خواهیم و بازگشت به سوی توست. و بگویید: حمد و سپاس خدای را که ما را به این - امر مهم - هدایت کرد. که اگر خدا راه نمی نمود ما خود راه نمی یافتیم.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶۰۱۰۸۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل:

Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۰۲۳-۲۳۵۷۰ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

